

Layered Analysis of the Moral Costs of Compromise with the Enemy from the Perspective of the Holy Quran*

Samaneh Sadat Mousavi¹  Aliyeh Rezadad²  Fatemeh Rezadad³ 

1- Department of Interpretation and Quranic Sciences, Sisters Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Mazar Sharif, Afghanistan.
samanehmousavi2@gmail.com.

2- Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran
(corresponding author).

a.rezadad@cfu.ac.ir.

3- Department of Quran and Hadith, Sisters Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran.
Fateme_rezadad@miu.ac.ir.



Abstract

The present study aims to conduct a layered analysis of the moral costs of compromise with the enemy from the perspective of the Holy Quran. The research method is descriptive-analytical, employing a layered cause analysis approach, which has been redefined and developed into five specific layers: apparent, individual, social, spiritual, and civilizational. Research data were collected by analyzing verses related to the key terms "Idhān" (flattery/compromise), "Rukūn" (leaning toward/inclining to), and "Modāhanah" (cowardly compromise/expediency), as well as authoritative exegeses (tafasir),

*Cite this article: Mousavi, S. Rezadad, A. Rezadad, F.(2026). Layered Analysis of the Moral Costs of Compromise with the Enemy from the Perspective of the Holy Quran. *Applied Ethics Studies*, 84(2), 37-68.

<https://doi.org/10.22081/jf.2026.74480.2153>.

 **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy. ***Type of article:** Research Article

 **Received:**2025/ 11/12 • **Revised:** 2026/ 01/ 21 • **Accepted:**2026/02/07 • **Published online:**2026/ 07/ 01

© 2026 /Authors Retain The Copyright and full publishing rights.



and were categorized into the five layers. The findings indicate that the apparent layer includes the illusion of transient peace; the individual layer includes the collapse of faith and internal duality; the social layer includes the rupture of communal bonds and the weakening of independence; the spiritual layer includes deprivation of divine assistance and honor; and the civilizational layer includes historical decline and cultural dissolution. The novelty of this research lies in two levels: first, presenting a systematic five-layer analysis of the moral costs of compromise; second, designing a three-step method for applying the findings, including objective description of the situation, layered questioning, and concluding while considering the jurisprudential-moral rule of "al-aham fa al-aham" (the more important, then the most important) and distinguishing between "humiliating compromise" (Modāhanah and Rukūn) and "honorable peace" of the Hudaybiyyah type. The results show that the moral costs of compromise in deeper layers are far heavier than the apparent costs of resistance; however, the rule of "al-aham fa al-aham" permits, under specific conditions, the acceptance of honorable peace, not humiliating compromise. This research provides a structured model for strategic decision-making based on Quranic ethics in religious and cultural institutions.

Keywords

Layered analysis, moral costs of compromise, Modāhanah, Rukūn, al-aham fa al-aham rule, Holy Quran.



التحليل الطبقي للتكاليف الأخلاقية للمساومة مع العدو في ضوء القرآن الكريم*

سمانه سادات موسوی^۱ عليه رضاداد^۲ فاطمه رضاداد^۳

۱- حاصلة على الماجستير في التفسير والعلوم القرآنية، جامعة المصطفى العالمية، مشهد، إيران

samanehmousavi2@gmail.com

۲- أستاذة مشاركة في تعليم المعارف الإسلامية، جامعة فرهنكيان، طهران، إيران (الكاتبة المسؤولة)

a.rezadad@cfu.ac.ir

۳- أستاذة مساعدة في العلوم القرآنية والحديث، جامعة المصطفى العالمية، مشهد، إيران

fateme_rezadad@miu.ac.ir

الملخص

تهدف الدراسة الراهنة إلى إجراء تحليل طبقي للتكاليف الأخلاقية للمساومة مع العدو في ضوء القرآن الكريم. وقد اعتمدت الدراسة المنهج الوصفي - التحليلي، مستندة إلى مقارنة التحليل الطبقي للأسباب، بعد إعادة تعريفها وتطويرها في خمس طبقات خاصة، هي: الطبقة الظاهرية، والطبقة الفردية، والطبقة الاجتماعية، والطبقة الروحية، والطبقة الحضارية، وجمعت البيانات من خلال تحليل الآيات ذات الصلة بالكلمات المفتاحية: "الإدهان" و"الركون" و"المداينة"، إلى جانب الرجوع إلى كتب التفسير المعتبرة، ثم صُنِّفَت ضمن الطبقات

* **الاستناد إلى هذه المقالة:** موسوی، سمانه سادات؛ رضاداد، عليه؛ رضاداد، فاطمه (۲۰۲۶). التحليل الطبقي للتكاليف الأخلاقية

للمساومة مع العدو في ضوء القرآن الكريم. *دراسات في الأخلاق التطبيقية*، ۸۴ (۲)، صص ۳۷-۶۸.

<https://doi.org/1022081/jf.2026.74480.2153>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: معهد العلوم والثقافة الإسلامية.

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۱۱/۱۲ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۶/۰۱/۲۱ • تاريخ القبول: ۲۰۲۶/۰۲/۰۷ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶/۰۷/۰۱



۳۹



تحليل لایدای هزیندهای اخلاقی سازش در مقابل دشمن از دیدگاه قرآن کریم



الخمس المذكورة. وأظهرت النتائج أنَّ الطبقة الظاهرية تتمثل في خديعة الطمأنينة المؤقتة، وأنَّ الطبقة الفردية تشتمل على انهيار الإيمان والازدواجية الداخلية، وأنَّ الطبقة الاجتماعية تنطوي على تفكك الروابط الجماعية وإضعاف روح الاستقلال، وأنَّ الطبقة الروحية تشمل الحرمان من النصر والعزة الإلهيين، وأنَّ الطبقة الحضارية تتمثل في الانحطاط التاريخي والاستحالة الثقافية. وتكمن أصالة الدراسة في مستويين: أولهما تقديم تحليل منهجي ذي خمس طبقات للتكاليف الأخلاقية للمساومة؛ وثانيهما تصميم آلية ثلاثية المراحل لتطبيق النتائج، تقوم على الوصف الموضوعي للواقع، وطرح الأسئلة الطبقية، ثمَّ استخلاص النتائج مع مراعاة القاعدة الفقهية الأخلاقية الموسومة بـ"الأهم فالأهم"، والتميز بين "المساومة المؤدلة" المتمثلة في المداينة والركون، و"الصلح الكريم" على غرار صلح الحديبية. وتبين أيضاً أنَّ التكاليف الأخلاقية للمساومة في الطبقات العميقة أشدُّ بكثير من التكاليف الظاهرية للمقاومة، غير أنَّ قاعدة "الأهم فالأهم" تُجيز، في ظروفٍ خاصة، قبول الصلح الكريم، لا المساومة المؤدلة. تسعى هذه الدراسة إلى تقديم نموذج منظم لاتخاذ القرارات الإستراتيجية القائمة على الأخلاق القرآنية في المؤسسات الدينية والثقافية.

الكلمات المفتاحية

التحليل الطبقي، التكاليف الأخلاقية للمساومة، المداينة، الركون، قاعدة "الأهم فالأهم"، القرآن الكريم.

تحلیل لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش در مقابل دشمن از دیدگاه قرآن کریم*

سمانه سادات موسوی^۱ علیه رضاداد^۲ فاطمه رضاداد^۳



۴۱



تحلیل لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش در مقابل دشمن از دیدگاه قرآن کریم

۱- گروه تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی خواهران، جامعة المصطفی العالمية، مزار شریف، افغانستان.

samanehmousavi2@gmail.com

۲- گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

a.rezadad@cfu.ac.ir.

۳- گروه قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی خواهران، جامعة المصطفی العالمية، مشهد، ایران.

Fateme_rezadad@miu.ac.ir.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش در مقابل دشمن از دیدگاه قرآن کریم انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی با رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌هاست که به پنج لایه اختصاصی ظاهری، فردی، اجتماعی، معنوی و تمدنی بازتعریف و توسعه داده شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل آیات مرتبط با واژگان کلیدی «ادهان»، «رُکون» و «مداهنه» و نیز تفاسیر معتبر گردآوری و در پنج لایه دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد لایه ظاهری شامل فریب آرامش زودگذر، لایه فردی شامل

* **استناد به این مقاله:** موسوی، سمانه سادات؛ رضاداد، علیه؛ رضاداد، فاطمه (۱۴۰۵). تحلیل لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش در

مقابل دشمن از دیدگاه قرآن کریم. *مطالعات اخلاق کاربردی*، ۸۴ (۲)، صص ۳۷-۶۸.

<https://doi.org/1022081/jf.2026.74480.2153>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰



© ۲۰۲۶ «نویسندگان، دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند».



فروپاشی ایمانی و دوگانگی درونی، لایه اجتماعی شامل گسست پیوندهای جمعی و تضعیف استقلال، لایه معنوی شامل محرومیت از نصرت و عزت الهی و لایه تمدنی شامل انحطاط تاریخی و استحاله فرهنگی است. نوآوری پژوهش در دو سطح است: نخست، ارائه تحلیل نظام مند پنج لایه از هزینه های اخلاقی سازش؛ دوم، طراحی روش سه مرحله ای کاربرست یافته ها شامل توصیف عینی موقعیت، پرسش لایه ای و جمع بندی با لحاظ قاعده فقهی اخلاقی «الأهم فالأهم» و تمایز میان «سازش ذلت بار» (مداهنه و رکون) و «صلح شرافتمندانه» از نوع حدیبیه. نتایج پژوهش نشان می دهد هزینه های اخلاقی سازش در لایه های عمیق تر به مراتب سنگین تر از هزینه های ظاهری مقاومت است، اما قاعده «الأهم فالأهم» در شرایط خاص، پذیرش صلح شرافتمندانه، نه سازش ذلت بار را جایز می داند. این پژوهش، الگویی ساختاریافته برای تصمیم گیری های راهبردی مبتنی بر اخلاق قرآنی در نهادهای دینی و فرهنگی ارائه می دهد.

کلیدواژه ها

تحلیل لایه ای، هزینه های اخلاقی سازش، مداهنه، رکون، قاعده «الأهم فالأهم»، قرآن کریم.

مقدمه و بیان مسئله

نزاع حق و باطل، به عنوان یک سنت الهی، در طول تاریخ جریان داشته است. قرآن کریم در آیاتی چون ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾ (انبیاء، ۱۸) و ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء، ۸۱)، این تقابل مستمر را به عنوان قانونی تغییرناپذیر در تاریخ بشر معرفی می کند. در این میدان تقابل، انسان مؤمن همواره با دو رویکرد اساسی مواجه است: مقاومت براساس اصول و ارزش های ایمانی یا سازش با جریان باطل برای رهایی از فشارها و هزینه های مقطعی. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، هر دو رویکرد را با دقت بررسی کرده و ابعاد گوناگون آن، به ویژه هزینه های اخلاقی هریک را تبیین کرده است. از یک سو، مقاومت با وجود هزینه های کوتاه مدت مادی و روانی، در منطق قرآن نوعی سرمایه گذاری معنوی و راهی برای دستیابی به نصرت، عزت و استقلال دینی محسوب می شود. از سوی دیگر، سازش در ظاهر به کاهش هزینه های فوری می انجامد، اما در بلندمدت پیامدهای اخلاقی عمیقی چون زوال ایمان، سلب عزت دینی، ازدست رفتن استقلال فرهنگی و اقتصادی و فروپاشی هویت دینی جامعه را به دنبال دارد.

قرآن کریم با تعابیر دقیق و هشداردهنده ای، مؤمنان را از تمایل به ستمگران و سازش با جریان باطل برحذر داشته است. آیه ﴿وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود، ۱۱۳) و آیه ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم، ۹) به روشنی نشان می دهند که سازش، فراتر از یک تصمیم سیاسی یا اجتماعی، مسئله ای اعتقادی و اخلاقی با پیامدهای عمیق است. پرسش اساسی این است که این هزینه های اخلاقی چه ابعاد و لایه هایی دارند؟ آیا صرفاً به کاهش موقت فشارهای ظاهری محدود می شوند یا در لایه های عمیق تر، فرد و جامعه را دچار فروپاشی تدریجی می کنند؟ پاسخ به این پرسش ها می تواند ابعاد جدیدی از آموزه های اخلاقی قرآن را روشن کرده و الگویی تحلیلی برای جوامع اسلامی فراهم آورد تا با شناخت دقیق لایه های مختلف هزینه های اخلاقی سازش، بتوانند در مواجهه با تهدیدات و فشارهای دشمن، انتخاب های راهبردی آگاهانه تری داشته باشند.





ضرورت انجام این پژوهش از چند بُعد تبیین می‌شود: نخست، شرایط کنونی جهان اسلام است که دشمنان اسلام با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، جنگ ترکیبی و شناختی را علیه امت اسلامی به راه انداخته‌اند. در این شرایط، شناخت دقیق هزینه‌های اخلاقی سازش و مقایسه آن با هزینه‌های مقاومت، یک ضرورت راهبردی است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «بعضی عقلانیت را در این می‌دانند و می‌گویند که "چالش با قدرت‌ها هزینه دارد" - [البته] اشتباه می‌کنند - بله، چالش هزینه دارد؛ اما سازش هم هزینه دارد... چالش اگر عقلانی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتماد به نفس باشد، هزینه‌اش به مراتب کمتر از هزینه سازش است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۱۴).

دوم، خلأ پژوهشی است. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره مقاومت در قرآن، به تحلیل نظام‌مند و لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش کمتر توجه شده است. بیشتر پژوهش‌های موجود، یا به صورت کلی به نکوهش سازش پرداخته‌اند یا صرفاً بر پیامدهای سیاسی آن تأکید کرده‌اند، بدون آنکه لایه‌های فردی، معنوی و تمدنی آن را به صورت ساختاریافته تحلیل کنند. سوم، ضرورت بازتعریف مفاهیم در فضای فکری معاصر است. گاهی سازش با عناوینی چون «واقع‌گرایی سیاسی» یا «مصلحت‌اندیشی» توجیه می‌شود. بازخوانی دقیق آموزه‌های اخلاقی قرآن و تبیین لایه‌های پنهان هزینه‌های سازش، می‌تواند در روشن‌سازی مرز میان «صلح عادلانه» و «سازش ذلت‌بار» نقش مؤثری ایفا کند.

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی توسعه‌ای و از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی با رویکرد توصیفی تحلیلی مبتنی بر «تحلیل لایه‌ای» است. تحلیل لایه‌ای علت‌ها^۱ یکی از رویکردهای نوین در آینده‌پژوهی و تحلیل راهبردی است که سهیل عنایت‌الله آن را برای نخستین بار معرفی کرد (Inayatullah, 1998, pp. 815-829) و مجموعه مقالاتی از محققان مختلف در کتاب *تحلیل لایه‌ای/ علت‌ها* منتشر شد (عنایت‌الله، ۱۳۹۲). تحلیل لایه‌ای روشی جدید برای آینده‌پژوهی است که سودمندی آن در پیش‌بینی آینده نیست؛ بلکه در ایجاد

1. Causal Layered Analysis.



فضاهای تحول‌آفرین برای خلق آینده‌های بدیل است. این روش بر این اصل استوار است که پدیده‌های اجتماعی و اخلاقی دارای سطوح مختلفی از واقعیت هستند و بررسی تک‌بعدی آن‌ها نمی‌تواند به درک عمیق هزینه‌های پنهان منجر شود (Inayatullah, 1998, pp. 815-829؛ عنایت الله، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴).

الگوی رایج این روش چهار لایه دارد: لایه ظاهری^۱، لایه علل اجتماعی^۲، لایه گفتمان و جهان‌بینی^۳ و لایه استعاره و اسطوره^۴. پژوهش حاضر، با عنایت به ماهیت خاص «هزینه‌های اخلاقی سازش» در قرآن کریم و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی آیات، این الگو را بازتعریف و توسعه داده است. حاصل این بازتعریف، طراحی پنج لایه اختصاصی است که عبارت‌اند از: هزینه‌های ظاهری، فردی، اجتماعی، معنوی و تمدنی. در این رویکرد، نخست به توصیف دقیق مفاهیم و گزاره‌های قرآنی مرتبط با سازش پرداخته شده و سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای، تحلیل عمیق هزینه‌های اخلاقی سازش در لایه‌های مختلف ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش بیشتر مبتنی بر مقالاتی است که به پژوهش‌های مرتبط با صلح و سازش به صورت کلی پرداخته‌اند. افتخاری و محمدی سیرت (۱۳۹۲) در مقاله «صلح و سلم در قرآن کریم» به تفاوت میان «صلح» عادلانه و «سلم» ذلت‌آمیز اشاره کرده و نشان داده است که قرآن فقط صلح مبتنی بر عدالت را می‌پذیرد. مظفری (۲۰۲۱) نیز در مقاله «نگاهی بر جایگاه و بایستگی صلح از منظر آیات و روایات»، مرز میان صلح مشروع و سازش ناپسند را تبیین کرده است. رحیمی‌نژاد و حقانی (۱۴۰۰) در مقاله «فرجام مقاومت یا سازش با دشمن از منظر قرآن کریم» به مقایسه پیامدهای این دو رویکرد پرداخته و نشان داده‌اند که

1. Litany.
2. Social Causes.
3. Discourse/Worldview.
4. Metaphor/Myth.



سازش در بلندمدت هزینه‌های سنگین‌تری به‌همراه دارد. آل‌نبی و یوسفی مقدم (۱۴۰۰) نیز در مقاله «چالش‌های مقاومت از منظر قرآن کریم» به چالش‌های پیش روی مقاومت پرداخته است؛ اما تمرکز اصلی آن بر مقاومت بوده و تحلیل لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش را مد نظر نداشته است.

با بررسی پیشینه، مشخص می‌شود که هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین، هزینه‌های اخلاقی سازش را با رویکرد تحلیل لایه‌ای و در پنج لایه ظاهری، فردی، اجتماعی، معنوی و تمدنی بررسی نکرده‌اند. از این رو، نوآوری اصلی این پژوهش، ارائه یک تحلیل نظام‌مند و لایه‌ای از هزینه‌های اخلاقی سازش در قرآن کریم است که می‌تواند تصویری جامع و دقیق‌تر از پیامدهای اخلاقی این رویکرد ارائه دهد. همچنین کاربست این یافته‌ها در تحلیل شرایط معاصر امت اسلامی، از دیگر نوآوری‌های این پژوهش به شمار می‌آید.

مفهوم‌شناسی «سازش» در قرآن کریم

مفهوم سازش در قرآن کریم یکی از مفاهیم کلیدی و حساس در نظام اخلاقی و اعتقادی اسلام به شمار می‌آید. این مفهوم نه تنها در لایه‌های رفتاری و سیاسی، بلکه در ژرفای باورها و ارزش‌های توحیدی ریشه دارد. برای فهم دقیق این مفهوم، باید آن را از چند منظر لغوی، اصطلاحی، قرآنی و روایی بررسی کرد.

از نظر لغوی، واژه «سازش» در زبان عربی با تعابیر متعددی بیان شده است که هریک بُعدی از معنای آن را آشکار می‌سازند. مهم‌ترین این تعابیر عبارت‌اند از: «ادهان»، «رُکون» و «مُصانعه». واژه «ادهان» از ریشه «دَهِن» به معنای روغن گرفته شده است و در اصطلاح به معنای «روغن مالی»، نرمش و مدارای فریبنده و سخت‌نگرفتن به کار می‌رود (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۸۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۲۰).

واژه «رُکون» نیز از ریشه «رکن» به معنای تمایل، اعتماد و تکیه کردن است (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۸۵). واژه «مُصانعه» نیز از ریشه «صنع» به معنای سازش کاری و مدارای



فریبنده است (ابن منظور، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۶۲). این واژه مستقیماً در قرآن نیامده است؛ اما در روایات و نهج البلاغه به کار رفته و مفهوم آن در آیات قرآنی با تعبیر «إدهان» و «ایهان» بیان شده است.

مفهوم سازش با دشمن در قرآن کریم، با تعبیر دقیق و هشداردهنده‌ای بیان شده که هریک لایه‌ای از ماهیت نکوهیده سازش را آشکار می‌کند. مهم‌ترین آیاتی که به این مفهوم اشاره دارند، عبارت‌اند از آیه «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم، ۹) و آیه «وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود، ۱۱۳).

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم، ۹) می‌نویسد: ادهان کنایه از مصانعه و لینه، به معنای سازش و معامله با اهل باطل بر سر حق و حقیقت است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۵۰۱). این آیه در میان دو آیه‌ای قرار گرفته که با تعبیر «فَلَا تُطِيعُ» آغاز شده‌اند: «فَلَا تُطِيعُ الْمَكْدِبِينَ» (قلم، ۸) و «وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَافٍ مَهِينٍ» (قلم، ۱۰). این ساختار نشان می‌دهد که خداوند با تأکید بر اطاعت نکردن از دروغ‌پردازان، هرگونه سازش با دشمن و دست‌برد داشتن از ارزش‌ها را منع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۹، ص ۳۷۱).

همچنین آیه «وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود، ۱۱۳)، هشدار می‌دهد که کوچک‌ترین تمایل و اعتماد به ستمگران، انسان را در معرض آتش دوزخ قرار می‌دهد. این سازش در قرآن فقط به رفتار ظاهری محدود نمی‌شود؛ بلکه حتی گرایش قلبی و تمایل درونی به دشمن نیز نکوهیده است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۱، صص ۵۰-۵۱).

در منابع روایی نیز مفهوم سازش با تعبیر «مصانعه» و «ایهان» بیان شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره می‌فرماید: «وَلَعُمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَخَابَطَ الْغَيَّ مِنْ إِدْهَانٍ وَلَا إِيْهَانٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴). در این فراز، سازش با کلماتی چون «إدهان» و «ایهان» بیان شده است. در جای دیگر، امام (ع) می‌فرماید: «لَا يُقِيمُ أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ»



(نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۱۰). این روایات نشان می‌دهد که سازش نه به معنای صلح، بلکه به معنای دست برداشتن از حق و عدول از اصول و معامله بر سر حقیقت و ارزش‌ها، از روی ترس یا طمع یا خیانت است.

یکی از نکات بسیار مهم در فهم آموزه‌های قرآنی، تفکیک میان «سازش نکوهیده» یا «صلح ذلت‌بار» و «صلح شرافتمندانه» است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۱۷۷).

پیش از هر چیز باید تأکید کرد که «صلح» و «سازش» در منطق قرآن به یک معنا نیستند. خلط این دو مفهوم، یکی از مهم‌ترین منابع خطا در تحلیل‌های معاصر از آموزه‌های قرآنی به شمار می‌آید.

قرآن کریم صلح مبتنی بر شرافت، عدالت و حفظ اصول را نه تنها منع نکرده، بلکه در مواردی به آن فرمان داده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال، ۶۱). در مقابل، سازش ذلت‌بار (مداهنه و رکون) به شدت نکوهیده شده است؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَزْكُتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود، ۱۱۳) و «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم، ۹).

بنابراین، مقاومت در منطق قرآن، در مقابل «سازش ذلت‌بار» معنا می‌یابد، نه در مقابل «صلح شرافتمندانه». مقاومت، پایداری بر اصول و عقب‌نشینی نکردن در برابر مداهنه و رکون است؛ اما این پایداری، هرگز به معنای نفی صلح عادلانه و شرافتمندانه نیست. تفاوت اساسی میان «صلح شرافتمندانه» و «سازش ذلت‌بار» را می‌توان در چند محور جست‌وجو کرد:

۱. هدف از صلح: صلح عادلانه در قرآن برای پایان‌دادن به جنگ‌های ناعادلانه و ایجاد فضایی برای رشد ایمان و عدالت است؛ درحالی که سازش نکوهیده برای حفظ منافع شخصی یا رهایی از فشارهای موقت صورت می‌گیرد (افتخاری و محمدی سیرت، ۱۳۹۲، ص ۵۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۱۷۷).



۲. موقعیت و موضع طرفین: صلح مطلوب قرآنی از موضع عزت و قدرت انجام می‌شود، نه از موضع ضعف و ترس. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) که بلافاصله پیش از آیه ۶۱ آمده، نشان می‌دهد که پذیرش صلح باید همراه با حفظ بازدارندگی و قدرت نظامی باشد. قرآن در آیه «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (محمد، ۳۵) به صراحت هشدار می‌دهد که دعوت به صلح نباید از موضع سستی و ضعف باشد و سازش نکوهیده دقیقاً از موضع ضعف، ترس و «رکون» (تکیه و اعتماد قلبی) به دشمن سر می‌زند.

۳. حفظ اصول و ارزش‌ها: در صلح عادلانه، اصول و ارزش‌های الهی، مرزهای اعتقادی و هویت دینی جامعه به طور کامل حفظ می‌شود؛ اما در سازش نکوهیده، فرد یا جامعه برای رسیدن به آرامش موقت، از اصول خود دست می‌کشد و چه بسا ارزش‌ها را مسکوت می‌گذارد.

۴. توکل و نصرت الهی: صلح عادلانه با توکل بر خدا همراه است و در انتهای آیه ۶۱ سوره انفال به آن امر می‌کند و مؤمنان باور دارند که نصرت الهی شامل حال آنان می‌شود؛ درحالی که در سازش نکوهیده، ریشه اصلی در ترس و طمع بوده و انسان از نصرت الهی محروم می‌شود (هود، ۱۱۳).

بارزترین الگوی قرآنی برای «صلح شرافتمندانه» که در چهارچوب این چهار محور قرار می‌گیرد، «صلح حدیبیه» است. در این صلح تاریخی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حفظ قدرت بازدارندگی (انفال، ۶۰)، بدون هیچ گونه عقب‌نشینی از اصول توحیدی، از موضع عزت و با توکل بر خدا (نه تکیه بر دشمن) پذیرفت که موقتاً از برخی مناسک ظاهری (مانند ورود به مکه) صرف‌نظر کند. هدف اصلی این صلح، نه فرار از هزینه‌های مقاومت، بلکه کسب زمان برای تقویت جبهه حق و جلوگیری از ضرر بزرگ‌تر بود. به همین دلیل، قرآن این صلح را نه تنها نکوهش نکرده، بلکه آن را با تعبیر «فَتْحًا مُبِينًا» (فتح، ۱) به عنوان پیروزی آشکار معرفی می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که صلح حدیبیه، نه تنها در تضاد با مقاومت نبود، بلکه خود مصداقی از مقاومت عاقلانه و هوشمندانه در مسیر حفظ اصول بود.



در مقابل، سازش ذلت‌بار (مداهنه و رکون) نه تنها این چهار ویژگی را ندارد، بلکه دقیقاً در نقطه مقابل آن‌هاست: با هدف فرار از فشار، از موضع ضعف و ترس، با دست‌برداری از اصول و بدون توکل بر خدا (بلکه با تکیه بر دشمن) صورت می‌گیرد. مقاومت در برابر این نوع سازش، یک تکلیف الهی است و هیچ‌یک از آیات قرآن، مؤمنان را به پذیرش مداهنه و رکون دعوت نمی‌کند. در نظام معرفتی قرآن، سازش از نوع نکوهیده، نه یک تدبیر عقلانی یا مصلحتی، بلکه نوعی انحراف از مسیر توحید معرفی شده است. قرآن کریم به صراحت پیامبر اسلام ﷺ را از کوچک‌ترین تمایل به این نوع سازش باز می‌دارد: ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوْحِيَنا إِلَيْكَ... وَلَوْلَا أَنْ تَبَيَّنَّاكَ لَقَدْ كِدَتْ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾ (اسراء، ۷۴-۷۳).

سازش نکوهیده نه تنها یک انحراف رفتاری، بلکه نوعی خروج از هویت ایمانی و جایگاه عزت مؤمنانه محسوب می‌شود و پیامدهای فردی، اجتماعی، معنوی و تمدنی عمیقی را به همراه می‌آورد که در بخش بعدی این پژوهش، تحلیل لایه‌ای به تفصیل بیان خواهد شد.

تحلیل لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش

لایه اول: هزینه‌های ظاهری

نخستین لایه از هزینه‌های سازش، آن دسته از پیامدهایی هستند که در ظاهر، نه تنها زیان‌بار به نظر نمی‌رسند، بلکه می‌توانند موقتاً کاهش فشار و آسایش ظاهری را به همراه داشته باشند. این لایه، فریبنده است؛ چراکه انسان را به اشتباه می‌اندازد و او را به این توهم دچار می‌کند که سازش راهی کم‌هزینه و عقلانی برای رهایی از بحران‌هاست. قرآن کریم با نگاهی واقع‌گرایانه، این لایه ظاهری را به تصویر می‌کشد و هشدار می‌دهد که این آرامش زودگذر، در واقع مقدمه‌ای برای فروپاشی‌های عمیق‌تر است.

سازش در لایه ظاهری، ریشه در ضعف یقین و حب عاجل دنیا دارد. انسان مؤمن وقتی یقینش به وعده‌های الهی سست شود، فریب آرامش زودگذر را می‌خورد. قرآن کریم



می‌فرماید: «بَلْ تُحِبُّونَ الْفَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ» (قیامت، ۲۱-۲۱)؛ یعنی شما دنیای زودگذر را دوست دارید و آخرت را رها می‌کنید. یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش به سازش، تمایل به رهایی از فشارهای فوری است. هنگامی که فرد یا جامعه‌ای در تنگنای اقتصادی، نظامی یا روانی قرار می‌گیرد، سازش می‌تواند به‌عنوان راهی برای کاهش موقت این فشارها جلوه کند. قرآن کریم این وضعیت را در داستان مواجهه پیامبر ﷺ با مشرکان به تصویر می‌کشد. آنان از پیامبر می‌خواستند تا در برابر فشارها، نرمش نشان دهد و در برابر به‌هایشان سکوت کند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۵۰۲).

قرآن کریم هشدار می‌دهد که آرامش حاصل از سازش، آرامشی حقیقی نیست؛ بلکه نوعی فریب و غفلت‌زایی است. جامعه‌ای که به سازش تن می‌دهد، ممکن است برای مدتی از تهدیدات فوری در امان بماند؛ اما این امنیت ظاهری، آنان را از آمادگی برای مواجهه با خطرات جدی‌تر باز می‌دارد. مهم‌ترین فضیلتی که در این لایه از دست می‌رود، بصیرت و عاقبت‌اندیشی است. انسان سازش‌کار، قدرت دیدن عواقب دور را از دست می‌دهد و به آن توجهی ندارد. خداوند متعال در آیه «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه، ۹۳) به این موضوع اشاره کرده است که چنین انسانی نه تنها عاقبت کار خود را نمی‌بیند، بلکه از درک حقیقت و تشخیص حق از باطل نیز محروم می‌شود. همچنین خداوند متعال در توصیف حال منافقان که با کافران سازش می‌کردند، می‌فرماید: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره، ۹). این آیه نشان می‌دهد که منافقان گمان می‌کنند با مدارا و نرمش، خود را از خطر نجات داده‌اند؛ اما در حقیقت فریب خورده‌اند و از عمق خطر بی‌خبرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۱۰۳-۱۰۵).

یکی دیگر از جذابیت‌های ظاهری سازش، کاهش هزینه‌های مادی و جانی در کوتاه‌مدت است. قرآن کریم به این واقعیت اشاره می‌کند که دشمنان با وعده رفع فشار، مؤمنان را به سازش دعوت می‌کنند: «إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً



وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿۲﴾ (ممتحنه، ۲). این آیه نشان می‌دهد که اگر دشمنان بر مؤمنان مسلط شوند، نه تنها فشارها را کاهش نمی‌دهند، بلکه با دست و زبان آزار می‌رسانند و در باطن دوست دارند که مؤمنان کافر شوند؛ بنابراین، کاهش فشار در ظاهر، فقط فریب و مقدمه‌ای برای سلطه کامل دشمن است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۹، ص ۲۲۸).

یکی از ابزارهای فریبنده در لایه ظاهری سازش، توجیه آن با عنوان «مصلحت» است. برخی گمان می‌کنند که برای حفظ منافع بزرگ‌تر، باید از برخی اصول کوچک‌تر گذشت. قرآن کریم این نگاه را به شدت نقد می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ مصلحتی نمی‌تواند توجیه‌کننده کوتاه آمدن از حق باشد. خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿فَلَا تُطِيعِ الْمُكْذِبِينَ﴾ (قلم، ۸). این فرمان الهی نشان می‌دهد که اطاعت از دروغ‌پردازان و کوتاه آمدن در برابر آنان، هرچند با عنوان مصلحت توجیه شود، جایز نیست (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۵۰۲).

قرآن کریم بارها هشدار می‌دهد که نباید فریب ظاهر آرامش‌بخش سازش را خورد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۳۹).

این آیه به مؤمنان هشدار می‌دهد که هرگز سست و اندوهگین نشوند؛ زیرا اگر ایمان داشته باشند، برترند. چون برتری وجودی و عزت معنوی دارند که با هیچ شکست ظاهری از بین نمی‌رود (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۲۷).

نکته مهم آن است که کاهش فشار ظاهری، هزینه‌های پنهانی مانند ازدست رفتن فرصت‌های تاریخی رشد و تعالی را به همراه دارد. همچنین سازش با ظالمان، ظلم را عادی می‌کند و به تدریج مرزهای اخلاقی را در هم می‌ریزد. افزون بر این، هربار که جامعه‌ای به سازش تن می‌دهد، روحیه مقاومت در آن تضعیف می‌شود و این امر، هزینه‌های آینده را افزایش می‌دهد.

لایه دوم: فروپاشی فردی

پس از لایه ظاهری که با فریب آرامش زودگذر همراه است، دومین لایه از هزینه‌های سازش، در عمق وجود انسان رخ می‌نماید و شخصیت فردی را هدف قرار می‌دهد. اهمیت این لایه از آن جهت اهمیت دارد که فروپاشی‌های اجتماعی و تمدنی، همواره از فروپاشی درون‌های فردی آغاز می‌شود. از منظر اخلاقی، این لایه حساس است؛ چراکه مستقیماً به «قلب» و «نفس» انسان به عنوان مرکز ایمان و فضیلت حمله می‌کند.

بنیادی‌ترین ریشه اخلاقی فروپاشی فردی در اثر سازش، ترس از مردم و ضعف توکل است. قرآن کریم در آیه ﴿وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ (أحزاب، ۳۷)، به روشنی نشان می‌دهد که دشمنان دین، صرفاً به دنبال هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیستند؛ بلکه هدف نهایی آنان، تهی‌سازی انسان مؤمن از باورها و ارزش‌هایش است. آیه ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾ (بقره، ۲۱۷) یک گزارش تاریخی از یک نزاع نیست؛ بلکه تحلیلی دائمی از منطق دشمنی با ایمان است. این آیه نشان می‌دهد که نقطه پایان فشار دشمن، نه توقف درگیری، بلکه بازگرداندن مؤمن از دین خویش است. قرآن کریم در آیه ﴿وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ (بقره، ۱۲۰) تصویری واقع‌بینانه از ماهیت سازش‌های بی‌ضابطه ارائه می‌دهد که مراد از پیروی، صرف تقلید ظاهری نیست؛ بلکه پذیرش چهارچوب فکری، ارزشی و سبک زندگی طرف مقابل است؛ امری که به تدریج، هویت دینی انسان را از درون تهی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۲۶۵). از این منظر، سازش فردی فقط یک تصمیم رفتاری نیست؛ بلکه نوعی جابه‌جایی مرجع معنا در زندگی انسان است؛ جایی که رضایت دشمن جای رضایت الهی را می‌گیرد و این همان نقطه‌ای است که انحراف از دین آغاز می‌شود.

قرآن این انحراف را امری صرفاً ذهنی نمی‌داند، بلکه آن را با پیامدهای روانی و اخلاقی عمیق همراه می‌بیند. انسانی که برای حفظ امنیت، رفاه یا پذیرش اجتماعی، از اصول خود کوتاه می‌آید، به تدریج دچار دوگانگی درونی می‌شود. این دوگانگی، آرامش روانی را از او می‌گیرد و او را در وضعیتی دائمی از اضطراب، تردید و نارضایتی از





خویشتن قرار می‌دهد. قرآن این وضعیت را نوعی بیماری قلبی می‌نامد؛ بیماری‌ای که اگر درمان نشود، به عذاب دردناک معنوی می‌انجامد. خداوند در توصیف منافقان که با کافران سازش می‌کردند، می‌فرماید: ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا﴾ (بقره، ۱۰).

قرآن کریم، مسیر رشد معنوی را همراه با مجاهدت، تحمل سختی‌ها و پایداری در مسیر حق معرفی می‌کند؛ اما سازش، این مسیر را مسدود کرده و انسان را در سطح پایینی از رشد متوقف می‌کند. قرآن کریم در آیه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (عنکبوت، ۶۹) نشان می‌دهد که هدایت و رشد معنوی، نتیجه جهاد و پایداری در راه خداست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۵۱). از همین روست که قرآن، در کنار دعوت به صلح عادلانه، مؤمنان را از سستی، ترس و سازش ناصحیح برحذر می‌دارد و یادآور می‌شود که خداوند همراه کسانی است که بر اصول خود ایستادگی می‌کنند و هرگز اعمال آنان را ضایع نخواهد کرد.

لایه سوم: گسست اجتماعی

پس از لایه فردی که فروپاشی درون انسان را به تصویر کشید، سومین لایه از هزینه‌های سازش در عرصه روابط اجتماعی و ساختارهای جمعی پدیدار می‌شود. جامعه نه صرفاً مجموعه‌ای از افراد مستقل، بلکه شبکه‌ای پیچیده از پیوندها، مناسبات و هویت‌های جمعی است که با سازش، یکایک این پیوندها گسسته می‌شوند و جامعه به تدریج از درون تهی می‌شود. از منظر اخلاقی، این لایه ناظر به رذایل جمعی و فروپاشی فضایل اجتماعی است که در اثر سازش در سطح امت پدید می‌آید. آنچه لایه دوم را به این لایه پیوند می‌زند، این حقیقت است که انسان موجودی اجتماعی است و فروپاشی درونی هرگز در حصار فرد باقی نمی‌ماند. هنگامی که فردی در اثر سازش دچار گمراهی، دوگانگی درونی و ذلت می‌شود، این وضعیت به‌طور طبیعی در روابط او با دیگران بازتاب می‌یابد. بیماری و فروپاشی فردی، به‌سان بیماری در یک عضو، به سایر اعضا سرایت می‌کند و به تدریج کل پیکره جامعه را درگیر می‌کند. فرد سازش کار که مرجع معنا و هویت خود را از دست داده



است، دیگر نمی‌تواند عاملی برای انسجام و هم‌بستگی اجتماعی باشد و به ابزاری برای نفوذ دشمن و تضعیف پیوندهای جمعی تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، فروپاشی فردی به گسست اجتماعی می‌انجامد و این گسست در لایه سوم در ابعاد گوناگونی خود را نشان می‌دهد.

از دست دادن هویت و استقلال جامعه اسلامی، نخستین جلوه از این گسست اجتماعی است. قرآن در آیه **﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾** (بقره، ۱۲۰) هشدار می‌دهد که پذیرش سازش ناصحیح می‌تواند موجب تحمیل فرهنگ، دین و هویت دشمنان بر جامعه اسلامی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۱۹).

از دیگر جلوه‌های گسست اجتماعی، شکستن پیوندهای جمعی و ایجاد کینه‌ها و دشمنی‌های مداوم است. قرآن بر اهمیت اصلاح ذات البین تأکید می‌کند؛ اما این اصلاح باید عادلانه و مبتنی بر حق باشد. خداوند می‌فرماید: **﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا﴾** (حجرات، ۹)؛ صلح مطلوب در این آیه، صلحی است که براساس عدالت و حفظ اصول باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۲۶۰).

تضعیف انسجام ملی و هم‌بستگی جمعی، جلوه دیگری از گسست اجتماعی است. جامعه‌ای که بخشی از آن تسلیم می‌شود و بخشی دیگر به مقاومت باور دارد، به تدریج دچار تفرقه، بی‌اعتمادی و گسست درونی می‌شود. آیه **﴿وَلَا تَنَازَعُوا فِتْنَشُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾** (انفال، ۴۶) یک قاعده اجتماعی عام را بیان می‌کند: «نزاع درونی، به سستی جمعی می‌انجامد و قدرت اثرگذاری و اقتدار جامعه را از میان می‌برد». مفسران، «ذهاب ریح» را به معنای از بین رفتن هیئت اجتماعی، قدرت و عظمت دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۹۶).

از دست رفتن اعتلای جمعی نیز از پیامدهای گسست اجتماعی است. جامعه‌ای که به سازش تن می‌دهد، برتری خود را از دست می‌دهد و در معرض تحقیر دشمن قرار می‌گیرد. قرآن در آیه **﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾** (آل عمران، ۱۳۹) نشان می‌دهد که برتری حقیقی، از ایمان و پایداری سرچشمه می‌گیرد و با هیچ شکست ظاهری از بین نمی‌رود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۲۷).



وابستگی اقتصادی و سیاسی و از دست رفتن استقلال، از دیگر ابعاد گسست اجتماعی است. آیه ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء، ۱۴۱) نشان می‌دهد که خداوند هرگز راه سلطه کافران بر مؤمنان را قرار نداده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۵) و سازش ذلت‌آمیز، دقیقاً زمینه‌ساز این سلطه است.

تضعیف امنیت روانی و اجتماعی، از دیگر پیامدهای گسست اجتماعی است. تسلیم در برابر دشمن، موجب افزایش ناامنی و تخریب احساس هم‌بستگی اجتماعی می‌شود. قرآن کریم در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا﴾ (آل عمران، ۱۵۵) به کسانی اشاره می‌کند که در روز جنگ احد، از صحنه نبرد گریختند و تن به سازش دادند. نتیجه این عقب‌نشینی، نه تنها شکست ظاهری، بلکه تضعیف روحیه جمعی و کاهش اعتماد عمومی بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰۴). قرآن با ترسیم این ابعاد گوناگون، نشان می‌دهد که گسست اجتماعی ناشی از سازش، جامعه را از درون تهی کرده و آن را در برابر سلطه دشمن آسیب‌پذیر می‌کند.

لایه چهارم: محرومیت معنوی

پس از لایه‌های ظاهری، فردی و اجتماعی، چهارمین لایه از هزینه‌های سازش در عرصه رابطه انسان با خداوند و الطاف الهی پدیدار می‌شود. این لایه به این سبب اهمیت دارد که اگرچه هزینه‌های مادی و اجتماعی ممکن است در کوتاه‌مدت جبران‌پذیر باشند، هزینه‌های معنوی و اخروی جبران‌ناپذیرند و سرنوشت ابدی انسان را رقم می‌زنند. آنچه لایه سوم را به این لایه پیوند می‌زند، این حقیقت است که گسست اجتماعی و ازدست‌رفتن هویت جمعی، به تدریج انسان را از یاد خدا و تعلق به حقیقت غافل می‌کند. جامعه‌ای که ارزش‌های الهی خود را از دست می‌دهد، افراد آن نیز به‌طور طبیعی از معنویت و ارتباط با خداوند فاصله می‌گیرند. فشارهای روانی ناشی از گسست اجتماعی، انسان را به سمت ناامیدی و یأس سوق می‌دهد و این وضعیت، زمینه را برای محرومیت از الطاف الهی فراهم



می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۲۴۵). بدین ترتیب، گسست اجتماعی به محرومیت معنوی می‌انجامد و انسان در عمیق‌ترین لایه وجودی خود با خسران مواجه می‌شود.

از دست رفتن عزت وجودی، بنیادی‌ترین هزینه معنوی سازش است. عزت در نظام معرفتی قرآن کریم، حقیقتی وجودی و الهی است که ریشه در پیوند انسان با خدا دارد و با هیچ شکست ظاهری از انسان مؤمن سلب نمی‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْغَزَّةَ فَلِلَّهِ الْغَزَّةُ جَمِيعًا﴾ (فاطر، ۱۰). سازش با باطل، انسان را از این گوهر معنوی محروم می‌کند و به ذلت می‌کشاند. محرومیت از نصرت و یاری الهی، دیگر هزینه معنوی سازش است. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد، ۷)؛ در واقع، نصرت الهی مشروط به نصرت دین است و کسی که به سازش با باطل تن دهد، از این شرط خارج می‌شود.

محرومیت از هدایت الهی و رشد معنوی، از دیگر هزینه‌های معنوی سازش است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (عنکبوت، ۶۹)؛ کسی که از میدان جهاد خارج می‌شود، خود را از این هدایت ویژه محروم می‌کند. خشم و عذاب الهی، دیگر هزینه معنوی سازش است و خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزْكُتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود، ۱۱۳).

طبرسی در مجمع‌البیان می‌نویسد: «رکون به ظالمان، حتی اگر ظاهری باشد، موجب نزدیکی به آتش می‌شود» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۳۱). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ عَمَلَ قَوْمٍ وَلِيَ فِيهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴)؛ هر کس عمل قومی را دوست بدارد، در آن داخل می‌شود. محرومیت از رحمت و مغفرت الهی، دیگر هزینه معنوی است و در آیه ۵۲ سوره نساء تمام آنان که سازش کاری می‌کنند و برای مقاصد پست، شخصیت و عقاید خود را قربانی می‌کنند، لعنت کرده و هیچ یاور و پشتیبانی نخواهند داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۱۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۵۷).



لایه پنجم: انحطاط تمدنی

پس از لایه‌های ظاهری، فردی، اجتماعی و معنوی، پنجمین و عمیق‌ترین لایه از هزینه‌های سازش در عرصه تاریخ و تمدن پدیدار می‌شود. این لایه به این سبب اهمیت دارد که اگرچه هزینه‌های لایه‌های پیشین ممکن است در طول زمان بازسازی شوند، انحطاط تمدنی، فروپاشی هویت جمعی و ازدست‌رفتن جایگاه تاریخی یک امت، جبران‌ناپذیر است و گاه قرن‌ها طول می‌کشد تا جامعه‌ای بتواند از این فروپاشی بازگردد. آنچه لایه چهارم را به این لایه پیوند می‌زند، این حقیقت است که محرومیت معنوی و قطع الطاف الهی، به تدریج جامعه را از درون تهی کرده و آن را به موجودی بی‌هویت و فاقد اراده تبدیل می‌کند. جامعه‌ای که افراد آن از عزت و جود، نصرت الهی، آرامش قلبی و هدایت معنوی محروم شده‌اند، دیگر توانایی حفظ استقلال فکری و فرهنگی خود را ندارند و به تدریج در برابر سلطه دشمن تسلیم می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، ص ۲۵۲).

این تسلیم، زمینه‌ساز فروپاشی هویت جمعی و استحاله فرهنگی شده و جامعه را در مسیر انحطاط تمدنی قرار می‌دهد. بدین ترتیب، محرومیت معنوی به انحطاط تمدنی می‌انجامد و امت جایگاه تاریخی و الگویی خود را از دست می‌دهد.

قرآن با یادآوری سنت‌های تاریخی می‌فرماید: ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (آل عمران، ۱۳۷). بر این اساس، شکست سنت‌های الهی و محرومیت از نصرت تاریخی، از هزینه‌های تمدنی سازش است. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ (غافر، ۵۱)؛ یعنی این نصرت مشروط به پایداری بر ایمان است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۷، ص ۲۲۴).

قرآن در داستان بنی اسرائیل می‌فرماید: ﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ﴾ (مائده، ۲۶) و مفسران تصریح کرده‌اند که سستی و سازش، آنان را به چهل سال سرگردانی دچار کرد (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۳۴). نابودی و عذاب استیصال،



دیگر هزینه تمدنی است و خداوند می‌فرماید: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا» (قصص، ۵۸).

مکارم شیرازی می‌گوید: «بَطَر مَعِيشَت، اسراف و غرق‌شدن در نعمت‌هاست که از نشانه‌های انحطاط تمدنی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۱۴).

از بین رفتن میراث معنوی و فرهنگی برای نسل‌های بعدی، دیگر هزینه تمدنی سازش است. قرآن در داستان قوم نوح می‌فرماید: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح، ۲۶). این دعا نشان‌دهنده عمق انحرافی است که نه تنها نسل حاضر، بلکه آیندگان را نیز از مسیر حق دور ساخته بود.

از دست رفتن جایگاه الگویی و مرجعیت تمدنی، آخرین و مهم‌ترین هزینه تمدنی سازش است. امت اسلامی به عنوان امت وسط و الگو معرفی شده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره، ۱۴۳).

از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، امت اسلامی باید برای دیگران الگو باشد و این الگو بودن، بدون استقامت در برابر دشمن ممکن نیست (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۲۱). سازش، این جایگاه والا را از امت سلب می‌کند و آن را به جرگه پیروان قدرت‌های سلطه‌گر فرو می‌کشانند.

دیگر هزینه اخلاقی لایه تمدنی، تبدیل جامعه پیشرو و الگو به تمدن وابسته است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱)؛ جامعه‌ای که با سازش، درون خود را تغییر دهد، سرنوشت خود را به عقب‌ماندگی و انحطاط تغییر داده است. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تأکید می‌فرمایند: «ما با استکبار و با نظام سلطه از سر تسلیم وارد نشدیم، تسلیم نشدیم، با آن‌ها بر سر خواسته‌های آن‌ها سازش نکردیم و امروز از دیروز تواناتر و قدرتمندتریم؛ امکانات مان امروز از دیروز خیلی بیشتر است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۵/۱۲). بنابراین، عزت و استقلال تمدنی فقط در سایه مقاومت پایدار می‌ماند و سازش ذلت‌بار، امت را از مسیر تمدن‌سازی اسلامی به انحطاط تاریخی می‌کشانند.



روش کاربرست یافته‌ها

به‌طور کلی، برای آنکه یافته‌های پژوهش قابلیت کاربرست اخلاقی در موقعیت‌های عینی را پیدا کند، می‌توان این تحلیل را به‌صورت یک روش عملیاتی سه‌مرحله‌ای بازتعریف کرد:

مرحله اول: توصیف عینی موقعیت

در این مرحله، پیشنهاد سازش بدون هرگونه داوری اولیه و به‌صورت ساخت یافته ثبت می‌شود. عناصر ضروری این ثبت عبارت‌اند از:

الف) محتوای دقیق خواسته طرف مقابل (مانند کوتاه آمدن از یک اصل اعتقادی، سکوت در برابر ارزش دینی، ترک حمایت از مظلوم یا پذیرش وابستگی اقتصادی در برابر رفع تحریم)؛

ب) هویت طرف پیشنهاددهنده (دشمن بیرونی، رقیب داخلی یا بازنمایی درونی ترس و طمع)؛

ج) نوع فشار موجود (اقتصادی، نظامی، روانی یا ترکیبی)؛

د) منافع وعده داده شده در کوتاه مدت (کاهش تحریم، توقف حملات، اعطای امتیازات سیاسی یا اقتصادی یا پایان آزار روانی). شفافیت در این توصیف، شرط لازم برای اجتناب از مغالطه‌های توجیهی و شرط کافی برای ورود به مرحله دوم است.

مرحله دوم: پرسش لایه‌ای

در این مرحله، موقعیت ثبت شده به‌طور جداگانه در برابر پنج پرسش که هریک متناظر با یکی از لایه‌های هزینه اخلاقی است، ارزیابی می‌شود:

۱. پرسش لایه ظاهری: آیا تصمیم پیشنهادی صرفاً فشارهای سطحی و موقت را کاهش می‌دهد، بدون آنکه ریشه بحران را حل کند و آیا آرامش حاصل از آن از نوع فریبنده و غفلت‌زای معرفی شده در قرآن کریم است؟



۲. پرسش لایه فردی: آیا این تصمیم در فرد یا اعضای گروه، زمینه‌ساز تزلزل ایمانی، دوگانگی درونی، ذلت اخلاقی، از دست رفتن آرامش روانی و بیماری قلبی (به تعبیر قرآنی) می‌شود؟

۳. پرسش لایه اجتماعی: آیا این سازش به گسست پیوندهای جمعی، افزایش تفرقه و بی‌اعتمادی، تضعیف استقلال و هویت دینی جامعه و نابودی سرمایه اجتماعی (اعتماد و هم‌بستگی) می‌انجامد؟

۴. پرسش لایه معنوی: آیا این اقدام، فرد یا جامعه را از نصرت الهی، عزت وجودی، آرامش قلبی، هدایت معنوی و معیت خاص خداوند محروم می‌کند؟

۵. پرسش لایه تمدنی: آیا این تصمیم در افق بلندمدت به انحطاط تاریخی، استحاله فرهنگی، از دست رفتن استقلال فکری، عقب‌ماندگی تمدنی و سلب جایگاه الگویی امت منجر می‌شود؟

باید توجه داشت پاسخ به هر پرسش باید مبتنی بر شواهد عینی و با استناد به لایه‌های تحلیل شده در پژوهش صورت گیرد، نه براساس برداشت‌های ذهنی یا توجیه‌های پسینی.

مرحله سوم: جمع‌بندی و داوری اخلاقی

در این مرحله، تمام اطلاعات گردآوری شده در مرحله اول (توصیف عینی موقعیت) و پاسخ‌های مستند به پرسش‌های لایه‌ای پنج‌گانه در مرحله دوم، به منظور صدور یک داوری اخلاقی منسجم، ارزیابی نهایی خواهد شد. قاعده اصلی حاکم بر این داوری بدین قرار است: هرگاه پاسخ به هریک از پرسش‌های متناظر با لایه‌های دوم تا پنجم (فردی، اجتماعی، معنوی و تمدنی) مثبت باشد، یعنی سازش در آن لایه، آسیب‌معدنار و مهمی ایجاد کند، آن‌گاه هزینه اخلاقی تصمیم، به مراتب سنگین‌تر و ماندگارتر از هرگونه منافع موقت و ظاهری لایه اول خواهد بود. در چنین وضعیتی، توجیه‌پذیری سازش با استناد به عناوینی نظیر «کاهش فشار ظاهری»، «مصلحت کوتاه‌مدت» یا «واقع‌گرایی سیاسی» از دیدگاه قرآن کریم کاملاً نامعتبر است و حکم اخلاقی مستفاد از آیاتی همچون «وَلَا



تَزَكُّوْا اِلَى الَّذِيْنَ ظَلَمْتُمْ فَتَنَسَّكُمُ النَّارُ ﴿١١٣﴾ و ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُوْنَ﴾ (قلم، ۹) جز بر پایداری، عدم مداهنه و اجتناب از هرگونه تمایل قلبی و رفتاری به ستمگران تأکید نخواهد داشت.

نکته کلیدی آن است که باید توجه داشته باشیم وجود هزینه‌های اخلاقی در لایه‌های فردی، اجتماعی، معنوی یا تمدنی سازش، هرگز به معنای درگیری نظامی همیشگی با جبهه باطل نیست؛ بلکه چنان که در ابتدای مقاله اشاره شد، هرگاه مصلحتی برتر همچون حفظ اصل نظام اسلامی در معرض خطر فوری قرار گیرد، بر پایه قاعده «الأهم فالأهم»، صلح شرافتمندانه، راه دیگری است که نه تنها جایز که حتی واجب می‌شود. این صلح، نه از سر خودباختگی، بلکه گونه‌ای «هدف‌پایی» و ایستادگی بر اصول است؛ بدین معنا که هدف را فراتر از جهاد، گاه از رهگذر صلح پی می‌گیرد. همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن کریم، صلح حدیبیه را براساس همین منطق هدف‌پایی و استواری در مسیر غایت، «فتحی مبین» اعلام کرد. آنچه براساس این هزینه‌های اخلاقی در هر حالتی نکوهیده و نهی شده است، سازش ذلت‌بار با دشمن است.

پیش از صدور حکم نهایی باید توجه داشت که داوری اخلاقی در موقعیت‌های واقعی و پیچیده اجتماعی، همواره در بستری از تعارضات کلان مصالح صورت می‌گیرد. این تعارضات می‌تواند میان کارگزاران و مردم یا میان افق‌های زمانی مختلف تصمیم‌گیری پدید آید. قرآن کریم این تعارضات را نادیده نگرفته، بلکه با ارائه معیارهایی روشن، مسیر خروج از آن‌ها را ترسیم کرده است. در ادامه، چهار نمونه از مهم‌ترین تعارضات مرتبط با موضوع سازش بررسی می‌شود:

۱. تعارض میان مصلحت بقای قدرت کارگزاران و مصلحت حقیقی امت: گاهی کارگزاران، سازش را تحت عنوان «مصلحت کلان نظام» توجیه می‌کنند؛ درحالی که در حقیقت به دنبال حفظ موقعیت خود هستند. قرآن کریم در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (انفال، ۲۷) این وضعیت را خیانت به امانت معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۶).



۲. تعارض میان مصلحت کوتاه‌مدت و بلندمدت: کارگزار یا جامعه ممکن است برای رهایی از فشارهای فوری اقتصادی، نظامی یا روانی تن به سازش دهد؛ اما این تصمیم در افق بلندمدت، استقلال، هویت و عزت جمعی را تضعیف یا نابود می‌کند. آیه **﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ... وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدَتْ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾** (اسراء، ۷۳-۷۴)، هشدار می‌دهد که دشمن هرگز به کوتاه‌آمدن محدود قانع نیست و هدف نهایی او بازگرداندن مؤمن از دین خویش است (قرائی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۹۸).

۳. تعارض میان تأمین معیشت و حفظ اصول: مردم عادی در تنگنای معیشتی ناشی از تحریم‌ها یا فشارهای دشمن، ممکن است سازش را راهی برای بهبود زندگی خود بپندارند. قرآن این وضعیت را با آیه **﴿بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾** (قیامت، ۲۱-۲۰) به چالش می‌کشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۳۰۰).

۴. تعارض میان امنیت روانی فوری و استقامت برحق: در شرایط جنگ شناختی و روانی، ممکن است جامعه برای رهایی از ترس و اضطراب، خواهان پذیرش هرگونه سازشی شود. قرآن کریم در آیه **﴿إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا... وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَتَسَلَتُهُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ﴾** (انفال، ۴۳) هشدار می‌دهد که تصویر بزرگ و ترسناک از دشمن، به سستی و اختلاف می‌انجامد. در مقابل، آیه **﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَغْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾** (آل عمران، ۱۳۹) تأکید می‌کند که برتری وجودی مؤمنان ریشه در ایمان دارد.

داوری نهایی در روش سه‌مرحله‌ای، افزون‌بر قاعده پنج لایه، نیازمند سنجه‌های تکمیلی نظیر ریشه‌های تعارض و همچنین معیارهای لازم برای صلح شرافتمندانه است تا بتوان به نتیجه متقنی برای صلح شرافتمندانه یا مقاومت عزتمندانه رسید و این ساختار می‌تواند از دو آفت جزم‌اندیشی تحریم مطلق صلح یا نسبی‌گرایی و توجیه هر نوع سازشی جلوگیری کند.



بیان نمونه معاصر

برای نمونه عینی از کاربرست روش پیشنهادی، در مرحله اول می توان به رویدادهای جنگ علیه ایران اسلامی توسط آمریکا و اسرائیل با عنوان جنگ دوازده روزه در سال ۲۰۲۵ میلادی و به ویژه جنگ رمضان سال ۲۰۲۶ میلادی اشاره کرد. در این دو جنگ تحمیلی علیه ملت ایران، دشمن بیرونی یعنی آمریکا و اسرائیل با جنگ ترکیبی و شناختی تلاش کردند تا پیشنهاد تسلیم و توافق بدون قید و شرط را به عنوان یک راهکار کم هزینه جلوه دهند و منافع کوتاه مدتی نظیر توقف حملات یا رفع محاصره و تحریم اقتصادی را مطرح کنند. اگر این پیشنهاد را مطابق پرسش های مرحله دوم این پژوهش بررسی کنیم: در لایه ظاهری، کاهش موقت حملات و گشایش اقتصادی وعده داده شد؛ اما در لایه فردی، پذیرش آن موجب تزلزل ایمانی و دوگانگی درونی شهروندان می شد.

در لایه اجتماعی، خواسته پنهان دشمن مبنی بر تجزیه کشور برای کنترل منابع انرژی بود که گسست پیوندهای جمعی و تضعیف استقلال را در پی داشت. در لایه معنوی، پذیرش شروط دشمن پس از شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای و کودکان مظلوم میناب، مصداق بارز «رکون به ظالمان» (هود، ۱۱۳) بود که انسان را از نصرت الهی محروم می کرد. در لایه تمدنی نیز هدف دشمن نابودی هویت اسلامی و انقلابی و نیز استحاله فرهنگی بود. در مقابل، راهبرد قرآنی «پذیرفتن ذلت» (محمد، ۳۵) که حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه ای (حفظه الله) به عنوان سومین رهبری معظم انقلاب اسلامی در آن شرایط ترسیم کردند، بر مبنای پذیرش شروط ذلت بار نبود و به عنوان نمونه، مدیریت جدید تنگه هرمز به عنوان یک اهرم فشار راهبردی برای تغییر معادله قدرت به شمار رفت (بیانات ۲۰ فروردین ۱۴۰۵)؛ بنابراین، طبق قاعده پژوهش، هزینه اخلاقی پذیرش سازش ذلت بار به مراتب سنگین تر از هزینه راهبرد مقاومت ارزیابی شد و حکم اخلاقی قرآن مبنی بر پایداری و عدم رکون به ستمگران (هود، ۱۱۳) و ادامه حضور مردم در خیابان ها با شروع دوره سکوت صحنه نبرد نظامی جاری شد (بیانات ۲۰ فروردین ۱۴۰۵) تا سازش ذلت بار بر امت اسلامی تحمیل نشود و راهبرد مقاومت در لایه های نظامی، سیاسی و فرهنگی ادامه یابد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با رویکرد تحلیل لایه‌ای و با بررسی آیات مرتبط با سازش (با تأکید بر واژگان «ادهان»، «رُکون» و «مداهنه»)، هزینه‌های اخلاقی سازش در پنج لایه‌ی ظاهری، فردی، اجتماعی، معنوی و تمدنی دسته‌بندی شد. نوآوری اصلی پژوهش، ارائه‌ی تحلیلی نظام‌مند و لایه‌ای از هزینه‌های اخلاقی سازش است که تصویری جامع از پیامدهای این رویکرد در اختیار پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سازش در لایه‌ی ظاهری، با فریب آرامش زودگذر و کاهش موقت فشارها، انسان را دچار توهم امنیت می‌کند. سازش در لایه‌ی فردی، به فروپاشی ایمانی، ذلت اخلاقی، دوگانگی درونی و از دست رفتن آرامش روانی می‌انجامد. سازش در لایه‌ی اجتماعی، هویت جمعی را تضعیف کرده، پیوندهای اجتماعی را می‌گسلد، جامعه را به تفرقه و وابستگی کشانده و سرمایه‌ی اجتماعی را نابود می‌کند. سازش در لایه‌ی معنوی، انسان را از عزت وجودی، نصرت الهی، آرامش قلبی، هدایت معنوی و معیت خاص الهی محروم کرده و او را در معرض خشم و عذاب الهی قرار می‌دهد. سازش در لایه‌ی تمدنی، به انحطاط تاریخی، استحاله‌ی فرهنگی، از دست رفتن استقلال فکری، عقب‌ماندگی تمدنی و سلب جایگاه الگویی امت می‌انجامد.

در نهایت، روش سه‌مرحله‌ای پیشنهادی (توصیف عینی موقعیت، پرسش لایه‌ای و جمع‌بندی اخلاقی) می‌تواند به عنوان ابزاری ساختاریافته برای کاربست تحلیل لایه‌ای هزینه‌های اخلاقی سازش در موقعیت‌های عینی به کار گرفته شود و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های راهبردی مبتنی بر اخلاق قرآنی در نهادهای دینی، فرهنگی، نظامی و تربیتی شود.

از منظر اخلاقی، این پژوهش چند دلالت مهم دارد: اول، تمایز بنیادین میان «سازش ذلت‌بار (مداهنه و رکون)» و «صلح شرافتمندانه (از نوع حدیبیه)» مبنای اصلی داوری اخلاقی است. دوم، هزینه‌های اخلاقی سازش ذلت‌بار در لایه‌های فردی، اجتماعی، معنوی و تمدنی به مراتب سنگین‌تر از هزینه‌های ظاهری مقاومت است؛ اما قاعده‌ی «الأهم فالأهم» در



شرایط خاص (مانند خطر نسل‌کشی یا فروپاشی نظام) می‌تواند پذیرش صلح موقتی شرافتمندانه را جایز کند. سوم، پرهیز از سازش‌های ذلت‌آمیز با تکیه بر معیارهای قرآنی، ضرورتی راهبردی برای حفظ عزت و هویت امت اسلامی است. چهارم، رویکرد تحلیل لایه‌ای می‌تواند الگویی برای سایر مطالعات اخلاقی قرآنی باشد.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
آل نبی، سیدمحسن؛ یوسفی مقدم، محمدصادق. (۱۴۰۰). چالش های مقاومت از منظر قرآن کریم. *مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۰(۲۲)، صص ۷-۲۶.
افتخاری، اصغر. (۱۳۹۲). «صلح» و «سلم» در قرآن کریم. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۶(۲)، صص ۵۳-۷۸.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *روابط بین الملل در اسلام*. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). *تسنیم*. قم: اسراء.

حسینی خامنه ای، سیدمجتبی. (۱۴۰۵). پیام حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم الشان انقلاب (قدس الله نفسه الزکیه) و مسائل مهم مربوط به جنگ تحمیلی سوم.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=62808>.

خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۸۰/۹/۲۱). بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و کارگزاران نظام. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10881>.

خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۶/۵/۱۲). بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37311>.

خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۶/۳/۱۴). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36745>.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالشامیه.





رحیمی نژاد، نادره؛ حقانی، ریحانه. (۱۴۰۰). فرجام مقاومت یا سازش با دشمن از منظر قرآن کریم. *مطالعات علوم قرآن*، ۳ (۷)، صص ۹۱-۱۱۱.

Doi:10.22081/jqss.2021.58771.1113.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه. عنایت‌الله، سهیل. (۱۳۹۲). *تحلیل لایه لایه ای علت‌ها* (مترجم: مسعود منزوی). تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. مظفری، امین الدین. (۲۰۲۱). نگاهی بر جایگاه و بایستگی صلح از منظر آیات و روایات. *International Journal of Multidisciplinary Trends*، ۳ (۱)، صص ۸-۱۷.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. Inayatullah, Sohail. (1998). Causal layered analysis: Poststructuralism as method. *Futures*, 30(8), 815-829.